

دکتر جان اسوالت، پادشاهان، جلسه ۲۵، بخش ۲

دوم پادشاهان ۱۵-۱۶، بخش دوم

جان اسوالت و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

سپس به یوتام و معاصرانش می‌پردازیم. به آیات ۳۲ تا ۳۸ نگاه کنید. این روایت یوتام است. یک بار دیگر، آیه ۳۴ به ما چه می‌گوید؟ او آنچه را که درست بود انجام داد، اما بر اساس چه معیاری؟ پدرش

بنابراین، ما الان در رتبه سوم هستیم. ما امصیا و عزیا را داریم که از نظر او درست عمل کردند. و حالا یوتام از نظر عزیا کار درست را انجام داده است.

این یک پیشرفت بسیار خطرناک است. من این داستان را سال‌ها پیش اینجا تعریف کردم، و یک قفسه کتاب ساختم. من قفسه اول را با دقت بسیار اندازه گرفتم.

درست بود. بنابراین، من از آن برای اندازه‌گیری بعدی استفاده کردم و از دومی برای اندازه‌گیری سومی استفاده کردم. و از سومی برای اندازه‌گیری چهارمی.

وقتی کارم با شش قفسه تمام شد، قفسه ششم یک چهارم اینچ کامل کوتاه‌تر از قفسه اول بود. یادم رفته بود. برش اره‌ای را در نظر بگیرم. نباید قفسه‌ها را با هم اندازه می‌گرفتم.

من باید آنها را با معیار می‌سنجیدم. و این چیزی است که ما اینجا می‌بینیم. من فکر می‌کنم آدم‌های خوب، آدم‌های خوب، اما طبق معیار چه کسی؟ و بنابراین، به شما می‌گویم، خودتان را با اسوالت نسنجید.

خودت را با کشیشت نسنج. خودت را با مادر بزرگت نسنج. خودت را با عیسی مسیح بسنج.

این استاندارد طلایی شکست‌ناپذیر است. و این همان چیزی است که باید انجام شود. حالا به ما گفته شده که یوتام یک کار انجام داده است.

پایان آیه ۳۵. او دروازه بالایی معبد خداوند را بازسازی کرد. هوم.

باشه. وقتی به یک سلطنت حدود ۲۰ ساله فکر می‌کنی، یه جورایی جالب میشه. و این همون چیزیه که تو بهش اشاره کردی.

هوم. به آن برمی‌گردیم. حال، در آیه ۳۷ به ما گفته شده است.

در آن روزها، خداوند شروع به فرستادن عقل، پادشاه ارام و فحح پسر رملیا علیه یهودا کرد. حالا آنچه اینجا اتفاق می‌افتد این است. این بنای فشار آشوری است.

ساختمان. و این افراد، پگاه، که اکنون خود را پادشاه کل سرزمین‌های شمال کرده است. و دلیل دوستش پادشاه سوریه.

بذار ببینم. داری به نقشه نگاه می‌کنی. سوریه اینجا است.

اسرائیل اینجاست. آنها می‌گویند ما باید ائتلاف داشته باشیم. تنها راهی که می‌توانیم در برابر یک قدرت جدی بایستیم این است که همه با هم متحد شویم، همانطور که حدود ۱۵۰ سال پیش اتفاق افتاد.

اگر ما این کار را حدود صد سال زودتر انجام دهیم، اگر این کار را انجام دهیم، شاید بتوانیم، شاید بتوانیم جلوی او را بگیریم. خب، یوتام به همراه پسرش آحاز بر تخت سلطنت. آحاز کاملاً واضح است که حامی آشوریان است.

بگو، نه، فکر نمی‌کنم ما بخواهیم این کار را انجام دهیم. و بنابراین پگاه و عقل می‌گویند، اوه بله، شما این کار را خواهید کرد. و ما به آنجا خواهیم آمد و شما مردم را از تخت سلطنت پایین خواهیم کشید.

ما قرار است مرد خودمان را بر تخت سلطنت بنشانیم. و آنها آمدند و دوباره وقایع‌نگاری کردند، داستان نبرد را تعریف کردند. حال، سوال من این است که آیا یوتام مرد خوبی است و این، به اندازه کافی واضح است.

او کاری را که در نظر خداوند درست بود انجام داد. او مرد خوبی است. چرا خدا اجازه می‌دهد این اتفاق بیفتد؟ چرا خدا اجازه می‌دهد اتفاقات بد برای افراد خوب رخ دهد؟ در واقع، این یکی از استدلال‌های بزرگی است که مبلغان مذهبی مطرح کرده‌اند.

خدانا باوران امروزی می‌گویند، شما خدای خوبی دارید. خب، چرا اتفاقات بد برای آدم‌های خوب می‌افتد؟ شما چگونه به این سوال پاسخ می‌دهید؟ ببخشید؟ بسیار خب. اطاعت ناقص، نافرمانی است.

خیلی خب. چی؟ باران بر عادل و ظالم می‌بارد. بله، این نکته‌ی خیلی خیلی مهمی است.

سوال این است که گاهی اوقات خدا دخالت می‌کند. دنیا همین است. دنیا طبیعت همین است، اما او همیشه دخالت نمی‌کند.

شاید حتی بتوانیم بگوییم که او معمولاً مداخله نمی‌کند. خب، چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ خب، یک جواب، اطاعت ناقص. چه چیز دیگری؟ این کار فرد را قوی‌تر می‌کند.

بله، خدا ما را آزمایش می‌کند. خدا ما را وسوسه نمی‌کند، اما ما را آزمایش می‌کند. بسیار خب.

دیگه چی؟ شما اونو ندارید چون درخواستش نمی‌کنید. باشه، باشه. به خداوند رو نیاوردید و برای رهایی به او تکیه نکردید.

خیلی خب. نشون میده امنیت کجاست. بله، بله.

اگرچه نمی‌فهمم چرا این اتفاق برای من می‌افتد، اما در این میان به خداوند توکل می‌کنم. بله، بله، بله. اگر خدا همیشه برای آدم خوب مداخله می‌کرد، پس دوباره، کل این مسئله که آیا من در هر صورت از خدا اطاعت خواهم کرد، بی‌اثر می‌شود.

اوه بله، من از او اطاعت می‌کنم چون معامله‌ی خوبی است. این سوال سختی است. و در نهایت، ما باید پاسخ ایوب را بپذیریم.

من نمی‌توانم توضیح دهم که خدا چه می‌کند. نمی‌توانم توضیح دهم که چرا او در بعضی موارد مداخله می‌کند و در بعضی دیگر نه. نمی‌توانم توضیح دهم که چرا او در بعضی موارد شفا می‌دهد و در بعضی دیگر نه.

اما من به هر حال به او اعتماد خواهم کرد زیرا این بهترین گزینه با اختلاف زیاد است. و این، اغلب، ایوب را یک تئودیسه می‌نامند، که توجیه خداست، اما واقعاً او را توجیه نمی‌کند. این به سادگی ما را به آن جایگاه می‌رساند، و من عاشق این تصویر هستم.

خدا اساساً می‌گوید، ایوب، تو می‌خواهی جهان را اداره کنی؟ فکر می‌کنی می‌توانی بهتر از من عمل کنی؟ و کریستوفر داوکینز جهان می‌گوید بله. اما پاسخ من، و امیدوارم پاسخ شما، این است که نه، پروردگارا، تو می‌توانی جهان را اداره کنی. و من اینجا شواهد کافی دارم که باور کنم تو خدای خوبی هستی و آن را برای اهداف خوب رستگاری اداره می‌کنی.

و من به تو اعتماد خواهم کرد. قبل از اینکه از این مرحله عبور کنیم، چه درس‌هایی باید از بی‌ثباتی در پادشاهی شمالی بیاموزیم؟ در تمام این سال‌ها، سال‌های عزیا و یوتام، این بی‌ثباتی وحشتناک را در شمال داشته‌اید. از آن چه باید بیاموزیم؟ بهتر است امنیت خود را در پادشاهان یا روسای جمهور یا امنیت زمینی قرار ندهیم.

بله، بله، بله. چیز دیگری هم هست؟ بله، بله. اگر کاملاً با خدا همراه نشوید، مثلاً در مورد پادشاهی شمالی، از شر آن بت‌ها خلاص نشوید، پس قلبی دوباره دارید و این [روش/روش/...] نتیجه‌ای نخواهد داشت.

کاملاً. باز هم، در مثال من، اگر یک پا را روی قایق و یک پا را روی اسکله بگذارید، خیس خواهید شد، باید هر دو پا روی اسکله یا هر دو پا روی قایق باشد.

بله، ما داریم می‌بینیم، داریم پادشاهی را می‌بینیم که خدا را تا حدی پرستش کرده، که او را با تمام وجود، وقتی که آنها را راضی می‌کرده، وقتی که به آنها خدمت می‌کرده، پرستش کرده است. و نتیجه این است که شما به بشریت وابسته هستید و اگر به بشریت وابسته باشید، به شن وابسته هستید. و این چیزی است که ما اینجا شاهد وقوع آن هستیم.

و این همان چیزی است که صد سال بعد، به طرز غم‌انگیزی، شاهد وقوع آن در یهودا خواهیم بود.